حقوق شهروندی در بهائیت

بسم الله الرحمن الرحیم

حقوق شهروندی در بهائیت

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

سایت بهائی پژوهی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

حقوق شهروندی در بهائیت

مشخصات کتاب

بر گرفته از:

سایت بهائی پژوهی

مقدمه

این روزها واژه «حقوق شـهروندی» در عرف سیاسـی و بین المللی، واژه شـناخته شـده ای است و منظور از آن حقوقی است که یک انسان به عنوان یک شهروند در یک کشور و در تحت لوای یک حاکمیت باید از آن بهره مند باشد. منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز حد و حدودی برای آن ترسیم نموده است که مورد قبول و امضای اعضای این سازمان قرار گرفته است. اما از آنجا که در بعضـی کشورها، حقوق انسانها ریشه در اعتقادات مردم آن سـرزمین دارد باید این حقوق را در مبانی فکری و اعتقادی آن سـرزمین نیز جستجو نمود. بنـده به نظرم رسـید در بهـائیت این تحقیـق را شـروع نمـائیم که بر اسـاس متـون بهـائی شـهروندان از چه حقوقی برخوردارنـد. چه شـهروندانی که به این اعتقاد دل داده و آن را پـذیرفته انـد و چه آنها که آن را نپـذیرفته و در تحت حاکمیت آنها زندگی می کنند. این بحث را در دو بخش ارائه خواهم نمود:

حقوق شهروندی از نگاه باب

حق آموختن

الـف: آمـوختن همـه علـوم تعطیـل است! از نظر جنـاب بـاب، جـایز نیست هیـچ کتـابی جز «بیـان» تـدریس شـود لـذا همه مـدارس، دانشـگاهها، مراکز پژوهشـی و آموزشـگاهها یا باید تعطیل شوند و یا فقط به آموزش کتاب بیان میرزا علی محمد شـیرازی بپردازند! این هم عبارت بیان: «لا یجوز التـدریس فی کتب غیر البیان» «بیان فارسـی صـفحه ی ۱۳۰» پس تکلیف حق آموختن شـهروندان (که یکی از حقوق آنهـاست) معلوم شـد چیست: فقـط شـهروندان مجازنـد بیـان بخواننـد و به بچه هـای خود هم بیـان بیاموزنـد و مـدار آموزش نباید جز کتاب بیان باشد! ب: باید خط شکسـته بیاموزید! جناب باب نوع خط و نحوه کتابت شهروندان را هم تعیین فرموده انـد و دسـتور داده انـد که بایـد مـدار کتابت، خط شکسته باشد و به کودکان خود خط شکسـته را بیاموزید. این هم عبارت آن: «و لتعلمن خط الشکسـته!!» «بیان عربی صـفحه ی ۲۶» (از عبـارت «شکسـته» در متن عربی باب تعجب نکنیـد! عبارات عربی جناب باب همینطور هاست). ج: بیش از نوزده جلد کتاب نداشـته باشید! شهروندان مطابق آئین باب، اجازه نگهداری بیش از نوزده جلد کتاب را ندارند. اگر هم از این امر تخطی نمایند باید نوزده مثقال طلا جریمه بپردازند! لذا کتابخانه ها و مراکز اسناد و آثار هم تعطیل! این هم عبـارت مورد نظر: «نهی عنکم فی البیـان ان لا ـ تملکن فوق عـدد الواحـد من کتاب و ان تملکتم فلیلزمنکم تسـعه عشـر مثقالا من ذهب حـدا فی کتـاب الله لعلکم تتقون». د: تمـام آثـار بـاب را بخریـد! دسـتور است که همه شـهروندان در صورت توان کتاب های جناب باب را بخرند و مالک شوند و نگهدارند! عبارت: «ثم العاشر اذا استطعتم کل آثار النقطه تملکون و لو کان چاپا»!! «بیان عربی صفحه ی ۴۲» (اگر از عبارت «چاپا» در عبارت عربی باب تعجب کرده اید بدانید ما اضافه نکردیم و مال خود اوست!) ه: تمام کتاب ها را از بین ببریـد! خلاصه شـهروندان موظفنـد نه تنها کتابی جز بیان (یا آنچه در بابیت نگاشـته شده) را نخوانند بلکه دسـتور دارند همه کتـاب های علمی جهان (بجز بیان و آثار بابی) را از روی زمین محو نماینـد!! «الباب السادس من واحـد السادس فی حکم محو

کل الکتب الا ماانشئت او تنشی فی ذلک الامر» «بیان فارسی صفحه ی ۱۹۸» این مستندات که از معتبرترین سند بابی (یعنی کتاب بیان) نقل گردید تکلیف حقوق شهروندان در زمینه آموزش و تعلیم و تربیت را مشخص نمود.

حق زیستن

از نظر جناب باب، هیچکس جز بابیان حق زیستن روی زمین را ندارند و دگر اندیشان باید قتل عام شوند!! در پنج قطعه زمین نباید غیر مومنین به بیان زندگی و سکونت کنند! ص۱۹۳ بیان فارسی ایشان دستور می دهند سلطان بیان، همه دگر اندیشان و غیر بابیان را نابود گردانند و اجرای این امر واجب هم فقط بعهده سلطان بابی نیست بلکه برخود افراد بابی هم این موضوع واجب است و باید آنها هر غیر بابی را از روی زمین بر دارند و نابود نمایند!! این هم عبارت او: «الباب السادس و العشر من الواحد السابع فی ان الله قد فرض علی کل ملک یبعث فی دین البیان ان لایجعل احد علی ارضه ممن لم یدن بذلک الدین و کذلک فرض علی الناس کلهم اجمعون» «بیان فارسی صفحه ی ۲۶۲». پس شهروندان غیر بابی، حق حیات ندارند و باید برای مرگ آماده شوند!

حق درمان

از نظر باب، شهروندان اگر مریض شوند حق مصرف دارو ندارند! جناب ایشان می فرمایند: دارو بطور مطلق، در ردیف مسکرات و افیون است. خرید و فروش و مصرف آن حرام می باشد! این هم عبارت ایشان در این زمینه: «الباب الثامن من الواحد التاسع فی حرمهٔ التریاق والمسکرات و الدواء مطلقا ملخص این باب آنکه کل شئون دون حب از دون حق بوده و هست و کل شئون حب از حق بوده و هست» «و نهی شده از مسکرات و آنچه حکم دواء بر او ذکر شده» و این حکم را در بیان عربی به این صورت آورده: «انتم الدواء ثم المسکرات و نوعها لا تملکون» «بیان عربی صفحه ی ۴۲» بنابراین شهروندان حق ندارند دارو بخرند و مالک آن شوند و مصرف نمایند و اگر بر اثر این کار تلف شدند از نظر شارع بیان، ملالی نیست!

حق تشکیل خانواده

از نظر جناب باب، شهروندان بابی حق ندارند با غیر دین خود ازدواج نمایند. ضمنا حتما باید سعی نمایند بچه دار شوند و اگر آشکار شد که یکی از آن دو مانعی دارد که نمی تواند بچه دار شود با اجازه دیگری مجاز است کاری کند تا از او فرزندی حاصل شود! عبارت او چنین است: «الباب الخامس والعشر من الواحد الثامن» «فی ان فرض لکل احد» «ان یتاهل لیبقی عنها من نفس یوحد الله ربها و لابد» «ان یجتهد فی ذلک و ان یظهر من احدهما ما یمنعهما عن» «ذلک حل علی کل واحد باذن دونه لان یظهر عند الثمرهٔ» «و لا یجوز الاقتران لمن لا یدخل فی الدین» «بیان فارسی صفحه ی ۲۹۸»

حق مالکیت

شهروندان غیر معتقد به بیان، حق هیچ مالکیتی ندارند و اهل بیان باید اموال هر کسی که به شریعت بیان ایمان نیاورده، مصادره نمایند و استثنای این قانون فقط در جاهائی است که اهل بیان به قدرت نرسیده باشند ولی اگر قدرت یافتند حکم همان مصادره اموال است! عبارت مرتبط با این مطلب: «ثم الخامس فلتاخذن من لم یدخل فی البیان ما ینسب الیهم» «ثم ان آمنو التردون الا فی الارض التی انتم علیها لا تقدرون» «بیان عربی صفحه ی ۱۸» اگر هم جنگی بین مومنین به بیان و مسلمانان رخ دهد تمام اموال بدست آمده از طرف مقابل و غنائم جنگی متعلق به شخص باب می باشد: بیان فارسی ص ۱۵۹

حق کسب و کار و تجارت

شهروندان نباید به خرید و فروش تنباکو و امثال آن بپردازند. همچنین نباید با اهالی خراسان تجارت و معامله نمایند! و یا هر چیزی که از سوی خراسان حمل می شود! متن عبارت او: «و نهی شده از تنباکو و اشباه آن و آنچه که از سمت خراسان حمل میشود». «بیان فارسی صفحه ی ۳۲۲» ضمنا شهروندان جق ندارند عناصر اربعه (آب و خاك و آتش و هوا) را خرید و فروش نمایند که اگر اقدام به خرید و فروش آنها نمایند، کار حرامی را مرتکب شده اند! «ثم الحادی من بعد العشر لا تبیعون عناصر الرباع و لا تشترون» «بیان عربی صفحه ی ۴۳»

حق داشتن عبادتگاه

شهروندان غیر بابی حق داشتن هیچ عبادتگاه، زیارتگاه و بقعه مخصوص به خود را ندارند و باید تمام این بقعه ها و عبادتگاهها توسط ظهور بعد تخریب شود!! ص ۱۳۵ کتاب بیان فارسی افتضاح آئین باب در اعطای حقوق شهروندی به حدی واضح و آشکار است که عبدالبهاء هم به آن اذعان نموده و زشتی آن را تایید کرده است! به عبارت او توجه فرمائید: کتاب مکاتیب – جلد ۲ صفحه ۲۶۶: «در یوم ظهور حضرت اعلی (میرزا علی محمد) منطوق بیان (عبارت بود از) ضرب اعناق (گردن زدن غیر بابیها) حرق کتب (سوزاندن کتابها) و اوراق و هدم بقاء و قتل عام الا من امن و صدق (غیر بابیان) بود»!! نکته بسیار مهم: دوستان بهائی نمی توانند بگویند ما ربطی به باب نداریم و دینی مستقل از او هستیم! هر موقع خواستند چنین چیزی بفرمایند بخاطر آورند که از نظر آنها باب یك دین آسمانی بوده که جناب بهاءالله هم حدود سی سال به آن ایمان داشته و کتاب ایقان را در اثبات آن نوشته و به آن عمل می نموده است. تصور کنید اگر چنانچه فقط یك روز این آئین حاکمیت می یافت وضعیت دنیا چه می شد: همه غیر بابی ها قتل عام می شدند و همه کتاب ها سوزانده می شد و همه عبادتگاه ها تخریب می گردید و... و خلاصه امروز در روی زمین کسی جز بابی وجود نداشت! ضمنا برای بهائیان، باب آنقدر مهم است که آرزوی آنان زیارت قبر اوست! به یاد بیاورند برای چه به زیارت قبر او در اسرائیل می روند و قبر او زیارتگاه درجه یك آنان است؟! و نیز در وجود ارتباط تنگاتنگ آئین باب و بهائیت همین بس که حج بهائیان بدون زیارت خانه او در شیراز و قبر او در اسرائیل که به شکل زیبائی آن را درست کرده و کلی به آن می بالند، ناقص است...

حقوق شهروندی از نگاه بها، عبدالبهاء و شوقی

حق انسانیت

شهروندان غیر بهائی، انسان نیستند! از نظر جناب بهاءالله، فقط بهائیان انسان محسوب می گردند و غیر بهائیان، از بهائم و حیوانات شمرده می شوند. لذا شهروندان غیر بهائی، سهمی از انسانیت نداشته و اصولا انسان نیستند چه رسد به اینکه حقوق شهروندی داشته باشند. این هم شاهد: میرزا در کتاب بدیع صفحه ۲۱۳ نوشته است: «نفوسی که از امر بدیع معرضند از رداء اسمیه و صفتیه محروم و کل از بهائم بین یدی الله محشور و مذکور»!!

حق کرامت و احترام

۱– شهروندان غیر بهائی دارای احترام و رتبه نیستند! بنابر نصوص بهائی هرکس غیر بهائیان را انسان بنامد یا برای آنها رتبه ای قائل شود، از همه فیوضات و مراحم خداوندی محروم خواهد بود! حضرت بهاءالله در کتاب بدیع، صفحه ی ۱۴۰ می نویسد: «الیوم هر

نفسی بر احدی از معرضین من اعلاهم او من ادناهم ذکر انسانیت نماید، از جمیع فیوضات رحمانی محروم است تا چه رسد که بخواهد از برای آن نفوس اثبات رتبه و مقام نماید»!! ملاحظه می فرمایید که جناب بهاءالله نه تنها غیر بهائیان را از دایره انسانیت خارج می داند، بلکه به فتوای ایشان هرکس که آنها را آدم بداند، او نیز از جمیع فیوضات رحمانی محروم است. حق شهروندی پیشکش! در جای دیگر غیر بهائیان را سنگریزه های بی ارزش می شمرد: مائده آسمانی، ج ۴ (چاپ جدید) ص ۱۴۰ و (چاپ قدیم) ص ۳۲۷ «احبائی هم لئالی الامر و من دونهم حصاة الارض». یعنی: (دوستداران من در و جواهر و مابقی ایشان سنگ ریزه های ارض خاکی اند). ۲- شهروندان غیر بهائی، زنازاده اند! (با عرض پوزش فراوان از خوانندگان) از نظر جناب بهاءالله کسانی که امر بهائی را نپذیرند و انکار نمایند زنا زاده اند. ایشان در مورد منکرین خویش چنین فرموده اند: من ینکر هذا الفضل الظاهر المتعالی المنیر ینبغی له بان یسئل عن امه حاله فسوف یرجع الی اسفل الجحیم. یعنی حتی به برادر و خواهر خود (ازل و عزیه) هم که مخالف او بودند رحم نمی کند و آنها را با این عبارت زنا زاده می نامد! همچنین شهروندانی هم که بغض جناب بها را در دل داشته باشند باید بدانند که حرام زاده اند و باید بروند حال خود را از مادر خود بپرسند چنانکه در صفحه ۷۹ کتاب گنج شایگان و مائده آسمانی صفحه ۳۵۵ باب یازدهم تصریح شده است که: قل من کان فی قلبه بغض هذا الغلام (بهاء) فقد دخل الشیطان علی فراش امه بگو هر کس در قلبش دشمنی این غلام (بهاء الله) را داشته باشد قطعا شیطان در بستر و رختخواب مادرش رفته است! ۳- باید همچون عذاب باشید برای غیر بهائیان! ایشان می فرمایند: برای بهائیان ابر رحمت و برای کافران و مشرکان عذاب محتوم باشید! مجموعه الواح، ص ۲۱۶ «انتم یا احباء الله کونوا سحاب الفضل لمن آمن بالله و بآیاته و عذاب المحتوم لمن کفر بالله و کان من المشرکین» ۴- عدم معاشرت با دگر اندیشان ایشان دستور می دهند نه با دگر اندیشان، نشست و برخاست کن و نه معاشرت و نه از آنها چیزی بشنو و سخنی بگو، حتی اگر خواهر و برادرت باشد(!): مجموعه الواح، ص ۳۶۰ «ایاک ان لا تجتمع مع اعداء الله فی مقعد ولا تسمع منه شیئا و لو یتلی علیک من آیات الله العزیز الکریم» مائده، ج ۴، ص ۳۶۵ (باب نهی از معاشرت با مشرکین) «لا تعاشری مع المشرکات کذلک یأمرک منزل الایات» مائده، ج ۸، مطلب ۵۲، ص ۳۸ «انا قطعنا حبل النسبهٔ من کل ذی نسبهٔ الا لمن آمن بالله و اعرض عن المشرکین. ان یا عبادی لو یسمع احد منکم بان اعرض اخوه او اخته عن الله ینبغی له بان یعرض عنه و یقبل الی محبوب المخلصین»

حق برابری و مساوات

۱- گاو محسوب شدن شهروندان سیاه آفریقائی! جناب عبدالبها درباره سیاهان آفریقائی و فرقشان با سیاهان امریکائی می گوید: «مثلا چه فرق است میان سیاهان افریک (آفریقا) و سیاهان امریک، اینها خلق الله البقر علی صورهٔ البشرند آنان متمدن و باهوش و فرهنگ...»!! (خطابات بزرگ، ص ۱۱۹) لذا از نظر ایشان سیاهان آفریقائی گاو هستند (حتی نمی گوید «مثل» گاو هستند بلکه می گوید خود گاو هستند)! ۲- وحشی دانستن شهروندان ترک و اهانت به آنان اسرار الآثار، ج ۲ ص ۱۵۴ (ذیل کلمه ترک) «در توقیعی خطاب به حاجی میرزا آقاسی است: اترکوا التروک ولو کان ابوک، ان احبوک اکلوک و ان ابغضوک قتلوک.» (از ترک زبانان دوری کن و فاصله بگیر، اگر چه پدرت باشد که اگر دوستت بدارد خواهدت خورد و اگر دشمن بدارد خواهدت کشت!). ۳- جاهل محسوب شدن شهروندان غیر بهائی از نظر جناب بها، شهروندان دگر اندیش (غیربهائی) که تصدیق بهائیت را نکرده اند جاهل و نادان هستند! او در اقتدارات ص ۱۱۱ می فرماید: گر مرد دانشمندی در تصدیق امر توقف کند جاهل محسوب می شود! ۴- تبعیض بین شهری و روستائی از نظر حقوق شهروندی از نظر شارع بهائی، بین زن شهری و زن روستائی، فرق وجود دارد. مهریه زن شهری طلاست و مهریه زن روستائی نقره و نباید اعتراضی هم داشته باشد! و طبیعتا مرد شهری و روستائی از نظر اقتصادی از هم متمایز می گردند چون یکی موظف به پرداخت طلا و دیگری موظف به پرداخت نقره است! ۵- تبعیض بین زن و مرد از نظر حقوق

شهرونـدی زن بهائی از خانه و البسه شوهرش ارث نمی برد! دختر بهائی از خانه پـدری و البسه او ارث نمی برد! پسـران متوفی بطور یکسان از پـدر و مادر ارث نمی برنـد و ارث پسر بزرگتر از دیگر برادران و خواهران بیشتر است و در مجموع هم پسران از دختران بیشتر ارث می برنـد! زن بهائی از حج رفتن محروم است! زن بهائی هرگز نمی تواند به عضویت نهاد رهبری بهائیت یعنی بیت العدل در آید! شـهروندان مرد نسـبت به شـهروندان زن، اقدم و اقوی هسـتند چنانکه در حیوانات هم اینگونه است! عبارت در کتاب گلزار تعالیم بهائی صفحه ۲۸۸، اینگونه است: «سؤال خـانمی به حضور مبارک عرض شـد که گفته بود تا حال از جانب خـدا زنی مبعوث نشـده و همه مظاهر الهیه رجال بوده اند. فرمودند: «هر چند نساء با رجال در اسـتعداد و قواء شـریکند ولی شـبهه ای نیست که رجال اقدمند و اقوی حتی در حیوانات مانند کبوتران و گنجشگان و طاووسان و امثال آنان هم این امتیاز مشهود»!!

حق آزادی

الف: آزادی بیان ۱- شـهروندان، حق آزادی بیان علیه تشـکیلات را ندارند! هیچ شـهروند بهائی حق ندارد علیه تشکیلات بهائی (از محافـل محلی و ملی و ایادیـان و مشـاورین و یاران و لجنات و... گرفته تا برسـد به بیت العـدل) سـخنی بگویـد که در این صورت با مجازات بسیار سنگین «طرد» روبرو می شود. ب: آزادی سفر ۲- شـهروندان حق مسافرت به اسرائیل بدون اجازه تشکیلات را ندارند! چنانچه شـهروند بهائی بدون اجازه تشـکیلات به اسرائیل مسافرت کند و یا حتی بدون هماهنگی هواپیمایش از روی آسمان اسرائیل عبور کند به مجازات سنگین «طرد» از سوی رهبری بهائیت مبتلا می شود! افراد متعددی بودند که بدون اجازه شوقی به جاهائی سفر کرده بودنـد که با خشم او روبرو شـده و از سوی او «طرد» شدنـد! فحاشـی شوقی افندی و طرد کسـی که بدون اطلاع او به اسـرائیل مسافرت کرده است: در موضوع صادق فرزنـد آقا محمـد جواد آشـچی فرمودنـد بنویس: این شـخص بداخلاق و پست فطرت اخیرا مخالف دسـتور این عبد مسافرت به فلسطین نموده و وارد ارض اقدس گشته، تلغرافی راجع به طرد و اخراج او از جامعه به آن محفل مخابره گردیـد به والـدش صـریحا اظهار و انـذار نماینـد مخابره با او به هیچ وجه من الوجوه جائز نه، تمرد و مخالفت نتایجش وخیم است! (شوقی افنـدی، توقیعات مبارکه، (۱۰۲ - ۱۰۹) ص ۴۱). این هم اسـامی برخی از افراد دیگری که توسـط جنـاب شـوقی طرد روحانی شده اند: ۱- روحی افنان نوه جناب عبـدالبهاء به دلیل سـفر دوم به آمریکا در سال ۱۹۳۵ بدون تایید شوقی افندی ۲- زهرا خانم نواده دختری جناب عبـدالبهاء همسـر روحی افنان بـدلیل ازدواج بـدون کسب موافقت شوقی افندی ۳- ثریـا خانم نواده جناب عبدالبهاء همسـر فیضی افنان خواهر روحی افنان به دلیل ازدواج با یک ناقض عهد ۴- فواد افنان نوه جناب عبدالبهاء به دلیل سـفر به انگلستان ۵- فیضـی افنان نواده جناب بهاءالله ج: آزادی سیاسـی شـهروندان حق دخالت در سیاست، عضویت در احزاب، شرکت در انتخابات و... را ندارنـد! طبق متون اصـلی بهائی، هیچ شـهروندی حق دخالت در سـیاست، مخالفت با حاکمیت، اعتراض به ظالمان، شرکت در احزاب سیاسـی، حضور در انتخابات و خلاصه فعالیت سیاسی در کشور ها را ندارد! اعتراض به حاکمان و زمامداران هم جائز نیست: جناب میرزا در اقدس، هرگونه اعتراضـی را بر حاکمان و زمامداران جائز ندانسته و اکیدا دستور می دهد امور آنها را به خودشان واگذاریـد و به آنها اعتراض ننمائیـد و به جای آن به قلوب توجه نمائیـد. عبارت او چنین است: لیس لاحد ان یعترض علی الـذین یحکمون علی العبـاد! در نقطه مقابـل به اسم رافت دسـتور همنشـینی بـا خائنـان و اهرمنـان داده شـده است: دسـتور همنشـینی شهروندان با خائنان و گرگان خونخوار و اهرمنان! «...اهرمن را ملائکه شمارید. جفاکار را مانند وفادار به نهایت محبت رفتار کنید و گرگـان خونخوار راماننـد غزالاـن ختـن و ختـا مشـک معطر به مشـام رسانیـد. خائنـان را ملجـآ و پنـاه گردیـد... (ص ۱۶۰ ج سـوم مکاتیب)» د: آزادی های شخصـی شـهروندان حق تراشـیدن سـر یا بلنـد کردن مو (بیشتر از حـد گوش) را ندارند! شـهروندان مطابق دسـتورات کتاب اقدس، نباید سـر خود را بتراشـند و موهای خود را بیشتر از دوسه سانتیمتر (تا حد گوش) بلند کنند! شهروندان حق ملاقات و دیـدار مشـرکین و منافقین را ندارنـد! از نظر رهبران بهائی، ملاقات دگر اندیشان حرام است: «إعلم بأن الله حرم علی احباء

الله لقاء المشرکین و المنافقین، بدان که خدا بر احبایش دیدار با مشرکین و منافقین را حرام کرده است» (مائده آسمانی، ج۴، ص ۲۸۰) جالب است دانسته شود که از نظر بهائیت، شیعیان هم جزو مشرکین محسوب می شوند و طبیعتا لقای این مشرکین هم حرام است چنانکه در ص ۱۴۰ مائده ج ۴ و نیز رحیق مختوم ص ۵۹۵ آمده است: «لعمرالله (به خدا سوگند) حزب شیعه از مشرکین از قلم اعلی در صحیفه حمرا مذکور و مسطور»! یعنی سوگند هم یاد می کند که شیعیان مشرک هستند و تأکید می نماید که این موضوع در «صحیفه سرخ»(؟!) هم ذکر شده است! شهروندان حق معاشرت و موانست با معرضین را ندارند! سران بهائی صراحتا دستور داده اند که با معرضان از بهائیت، نشست و برخاست و همنشینی و انس پیدا کردن، حرام است زیرا ممکن است این دیدارها بهائیان را نسبت به بهائیت دلسرد نماید و این دستور از آسمان صادر شده است!: «باید از معرضین در کل شئون اعراض نماییم و در آنی مؤانست و مجالست را جایز ندانیم که قسم به خدا که انفس خبیثه انفس طیبه را می گدازد چنان که نار حطب یابسه را و حر ثلج بارده را» (بهاءالله، مائده، ج ۸، مطلب ۵۳). همچنین: «با نفوس معرض که اعراضشان ظاهر شده معاشرت و تکلم و ملاقات جایز نه، هذا حکم قد نزل من سماء آمر قدیم» (بهاء الله، مائده آسمانی، ج ۸، ص ۷۴ چاپ جدید، باب معاشرت با معرضین جایز نه!). تصور بفرمائید اگر این معرض از بهائیت، پدر یا همسر یا فرزند یک بهائی باشد، معاشرت و موانست با او برای شهروند بهائی حرام است تا جائی که حتی سلام و کلام با او هم جایز نیست! اصولا طرد روحانی توسط ولی امرالله و محرومیت معاشرت دیگران حتی همسر و فرزند فرد مطرود با مفاد اعلامیه مذکور به ویژه ماده ۱۸ آن تعارض دارد. محدودیت زمانی شهروندان در نگاهداری وسائل خانه! جناب بها در کتاب اقدس: بر شما نوشته (یعنی واجب) شده است که وسائل و اسباب خانه را بعد از انقضای نوزده سال تجدید نمائید! (یعنی نگهداری بیش از نوزده سال وسائل، گناه است!) لزوم کناره گیری شهروندان از عالمان دین جناب بها در ایقان، علما را بزرگ ترین مانع و سد هدایت مردم شمرده و همه‌ی ایشان را جاه طلب و دین فروش گفته و از مردم خواسته است اصلا دنبال عالمان نروند و از آنان احتراز جویند و اگر می‌خواهند به حقیقت و حقانیت باب برسند باید گوش به حرف احدی از علما ندهند و به آن‌ها متمسک نشوند که اگر چنین کنند از درک حقیقت و وصول به سرچشمه حیات و معرفت محجوب و محروم گردند.

حق دادرسی

شهروندان بهائی حق ندارند به دادگاههای کشورها مراجعه نمایند و باید در داخل نظام بهائیت داد رسی شوند. ملاک و میزان هم در حل دعاوی، کتاب اقدس و متون دیگر میرزاست. برخی از شاخص های نظام دادرسی هم به قرار ذیل است: ۱- شهروندان دزد باید انگ دار شوند! مجازات دزدان در بار اول دزدی، تبعید و در بار دوم، زندان و در نوبت سوم انگ خوردن بر پیشانی اوست: اقدس:... در نوبت سوم اگر دزدی نمود، باید در پیشانی او علامتی حک نمائید تا به موجب این علامت شناخته شود و در شهرهای مختلف خدا موجب شناسائی او شود تا او را نپذیرند و اخراج نمایند! (حد دزدی هم مشخص نیست که چقدر باشد تا مشمول این مجازات ها شود). ۲- گرفتن طلا از شهروندان مرتکب اعمال منافی عفت برای بیت العدل! اگر مرد و زنی بهائی، مرتکب عمل زنا شدند باید طبق نص کتاب اقدس، هر کدام نه مثقال طلا- به بیت العدل بپردازند. چنانچه برای بار دوم مرتکب این عمل زشت گردیدند باید هر کدام دو برابر این مبلغ یعنی هیجده مثقال به همان مرکز یعنی بیت العدل بپردازند. تکلیف خلافکاران ثروتمند که باید برای بار دهم عمل خلاف خود ۴۳.۲ کیلو و برای بار پانزدهم خلافکاری خود ۱۳۸۲.۴ کیلو و برای بار بیستم زنای خود ۴۴۲۳۶.۸ کیلو (سه کامیون پانزده تنی) طلا به بیت العدل بپردازند چیست؟ باری سی ام و چهلم و پنجاهم چه می شود؟ (ماشین حساب ها کم می آورند!) ۳- سوزاندن شهروند مجرم در بهائیت، جزای کسی که آپارتمانی را آتش بزند این است که خودش را آتش بزنند! (هیچ حدی هم معین نشده است) این عین عبارت کتاب اقدس است: «و من احرق بیتا متعمدا فاحرقوه» اگر کسی عمدا خانه ای را آتش زد باید او را بسوزانید!! (اگر هم خواستید تخفیف بدهید حبس ابدش کنید!) ۴- طلا گرفتن از شهروند محزون

ساز! جریمه محزون ساختن یک نفر، نوزده مثقال طلاست که به پول امروز یک میلیون و هشتصد هزار تومان است. لذا هر شهروندی که کسی را محزون کند باید این مبلغ را بپردازد. همین شهروند اگر مرتکب فحشاء شود و زنا کند باید نه مثقال طلا یعنی به پول امروز هشتصد هزار تومان به بیت العدل بپردازد! پس جریمه زنا کردن هشتصد هزار تومان ولی جریمه محزون ساختن یک میلیون و هشتصد هزار تومان است! اکنون با توجه به مدارک ذکر شده باید از بهائیان پرسید: ۱- آیا به حقوق شهروندی که در متون خود دارید پای بندید یا آن را قبول ندارید؟ ۲- آیا به مجامع جهانی هم همین ها را عرضه می کنید یا چیز دیگری می گوئید؟ ۳- آیا حاضرید متن کتاب باب را که دستور قتل عام شهروندان غیر بابی را می دهد به مجامع جهانی عرضه نمائید؟ ۴- تکلیف شهروندان غیر بهائی که از دید بهاءالله، انسان شمرده نمی شوند چیست؟ ۵- محدودیت های غیر قابل قبولی که احکام بهائی برای شهروندان دارد و با امروز سازگار نیست چه می باشد؟ ۶- آیا هیچ منصفی حاضر است اسم این احکام را، احکام الهی بشمارد؟

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی

همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹